

انترناسیونال



حزب کمونیست کارگری ایران

شماره ۱۱۷۱

شنبه ۲۲ فروردین ۱۴۰۵ و ۱۱ آوریل ۲۰۲۶

جنگ مردم با جمهوری اسلامی آتش بس ندارد!

بیانیه حزب کمونیست کارگری

در مورد آتش بس در جنگ آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی

جنگ آمریکا و اسرائیل علیه جمهوری اسلامی در حالیکه با بستن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی، و تهدید به نابودی کل تمدن در ایران توسط ترامپ، به نقطه بسیار خطرناکی رسیده بود، با قبول بازکردن تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی و باز شدن باب مذاکرات، با یک آتش بس دو هفته ای متوقف گردید. اکنون هر دو سوی این جنگ خود را برنده اعلام کرده اند. ترامپ بخاطر تحمیل آتش بس و بازکردن تنگه هرمز به جمهوری اسلامی خود را پیروز می داند و جمهوری اسلامی بخاطر اینکه هنوز سرنگون نشده است.

آتش بس در شرایطی رخ داد که جمهوری اسلامی توانسته بود موضوع جنگ را به باز و بسته بودن تنگه هرمز تقلیل دهد. از سوی دیگر ترامپ پذیرفت که طرح پیشنهادی جمهوری اسلامی مبنای مذاکرات باشد. بی شک جمهوری اسلامی حول این فاکتورها، و مهمتر از همه صرف بر سر پاماندن بعد از ۳۹ روز جنگ با بزرگترین قدرت نظامی جهان، به رجزخوانی علیه مردم دست خواهد زد. ولی واقعیت این است که بازنده نظامی و سیاسی این جنگ جمهوری اسلامی است. رژیم رهبر و سران و سرداران خود را از دست داده، نیروی سرکوب و مراکز نظامی اش بشدت ضربه خورده، کشاکش داخلی جناح های حکومتی تشدید شده و بحران بین المللی و منطقه ای جمهوری اسلامی به سطح بالاتر و حادثتری وارد شده است. در چنین شرایطی جنگ مردم با جمهوری اسلامی که با کشتار دی ماه خونین بسیار حاد شده بود، وارد فاز جدیدی شده است.

یک نکته که لازم به تاکید است این است که تا زمانی که جمهوری اسلامی بر سر کار است جنگ و شرایط جنگی پایان نخواهد یافت. تجربه این را نشان داده است و بویژه بعد از جنگ دوازده روزه فضای نظامی و جنگی شدت و گسترش بیشتری یافته و این اوضاع قابل بازگشت نیست. با این جنگ اوضاع منطقه وارد فاز تازه ای از بحران و کشاکش های بالقوه شده است. حکومت اسلامی اکنون نه فقط با آمریکا و اسرائیل بلکه با دولت های منطقه نیز که با آن جنگی

ادامه در صفحه ۲

جنگ مردم با جمهوری اسلامی آتش بس ندارد!

بیانیه حزب در مورد آتش بس

صفحه ۱

پاسخ اعدام های رژیم گسترش مبارزه علیه

اعدام است!

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۲

آتش بس موقت؛ فرصت ها و تناقضات

نسان نودینیان

صفحه ۳

با مذاکره، بی مذاکره سرنگونی

شهلا دانشفر

صفحه ۴

در محکومیت مقایسه ترامپ با ترومن

سازمان جوانان کمونیست

صفحه ۵

صلح بدون سرنگونی، ادامه کابوس جمهوری اسلامی

ناصر اصغری

صفحه ۶

با تمام قوا با اعدام ها و دستگیری ها مقابله کنیم

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

صفحه ۷

خیابان چرخانی فاطمیون و حشدالشعبی نیز

جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد!

حزب کمونیست کارگری ایران

صفحه ۸

پاسخ اعدام‌های رژیم گسترش مبارزه علیه اعدام است!

از اواخر اسفند ۱۴۰۴، جمهوری اسلامی موج تازه‌ای از اعدام‌ها را شروع کرده و تاکنون حداقل ۱۴ زندانی سیاسی و معترض دی‌ماه را اعدام کرده است. شش تن از این زندانیان، ابوالحسن منتظر، وحید بنی‌عامریان، محمد تقوی، اکبر دانشورکار، بابک علیپور و پویا قبادی به اتهام «بغی» و عضویت در سازمان مجاهدین اعدام شدند. هفت نفر علی‌فهمیم، محمدامین بیگری، شاهین واحدپرست کلور، امیرحسین حاتمی، مهدی قاسمی، صالح محمدی و سعید داودی از معترضین دی‌ماه بودند و کورش کیوانی، زندانی دوتابعیتی (ایرانی-سوئدی) بود که به اتهام جاسوسی برای اسرائیل به دار آویخته شد.

اکثر این زندانیان از دسترسی به وکیل محروم بوده و تحت شکنجه مجبور به اعتراف اجباری شده بودند.

این اعدام‌ها در شرایطی صورت می‌گیرد که هزاران نفر از بازداشت‌شدگان اعتراضات همچنان در زندان‌ها به سر می‌برند و بسیاری از آنان در خطر صدور و اجرای احکام اعدام قرار دارند. اژدهای و دیگر مقامات مختلف حکومت با زیان تهدید و ارباب گفته‌اند که بدون هیچ تخفیفی اعدام می‌کنند. همزمان جمهوری اسلامی هر روز شمار دیگری از مردم معترض را دستگیر و زندانی می‌کند.

جمهوری اسلامی در تلاش است شکست‌های سیاسی و نظامی و بحران‌های عمیق اجتماعی خود را با اعدام و دستگیری و سرکوب عریان جبران کند. این سیاست نشانه قدرت نیست، بیانگر وحشت جنایتکاران حاکم از خیزش مجدد مردم است.

حزب کمونیست کارگری ایران، ضمن ابراز همدردی با خانواده‌های اعدام‌شدگان، همگان را در داخل و خارج کشور فرامی‌خواند که برای توقف فوری احکام اعدام، آزادی کلیه زندانیان سیاسی و همه معترضان دستگیرشده و پاسخ‌گویی عاملان این جنایات دست به کار شوند و به هر شکلی که می‌توانند به رژیم درمانده جمهوری اسلامی اعتراض کنند. نباید اجازه دهیم قاتلان حاکم بر ایران در فضای جنگی کنونی، جان عزیزان بیشتری را بگیرند. در خارج کشور بویژه می‌توان فعالیت‌های همه جانبه‌ای از تجمعات اعتراضی تا تماس با نهادهای بین‌المللی و سازمان‌ها و نهادهای کارگری و پیشرو و همین‌طور تماس با دولت‌ها را در دستور گذاشت تا فشار سیاسی موثری برای آزادی زندانیان و پایان دادن به اعدام صورت گیرد. از کلیه احزاب و تشکل‌ها و نهادهای مخالف جمهوری اسلامی انتظار می‌رود برای یک فعالیت هماهنگ و گسترده به میدان بیایند.

اعدام‌ها باید متوقف شود. کلیه زندانیان سیاسی و معترضین زندانی باید فوراً و بی‌قید و شرط آزاد شوند.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۸ فروردین ۱۴۰۵ - ۷ آوریل ۲۰۲۶

نداشته‌اند در حالت جنگی بسر میبرد و این دولت‌ها متوجه شده‌اند که با وجود این حکومت به هیچ‌وجه امنیت و آسایش نخواهند داشت. حتی فضای اقتصادی و توریستی که در مناطقی مثل امارات و قطر و کویت به درجات مختلف امن و مناسب به نظر می‌رسید و سرمایه‌گذاران و کارگران زیادی از کشورهای مختلف برای کسب در آمد به این مناطق سفر می‌کردند، اکنون شکننده و غیرقابل اتکا شده است. این وضعیت از جمله باعث می‌شود که این دولت‌ها نیز برای خلاص شدن از شر جمهوری اسلامی از طریق جنگ به آمریکا و اسرائیل و روش‌های دیگر فشار بیشتری بیاورند و تلاش کنند آمادگی‌های دفاعی خود را در برابر جمهوری اسلامی تقویت کنند. بحران ایجاد شده و یا تشدید شده میان جمهوری اسلامی و دولت‌های منطقه، خود یکی از نقاط گرهی در ایجاد بحران نظامی و جنگی در منطقه خواهد بود.

یک نکته دیگر که بسیار مهم و قابل توجه است این است که اگر این جنگ متوقف شود، این بسیار محتمل است که جمهوری اسلامی به دلیل از دست دادن سران و سیاست‌گزاران و چهره‌های شاخص خود، خیلی زود دچار انشقاق و کشاکش‌های درونی حادی شود و فضای اجتماعی برای پیشروی جنبش سرنگونی و ضربه زدن به آن از جانب مردم بیش از پیش مهیا گردد.

تا آنجا که به مردم ایران مربوط می‌شود مردم باعث و بانی این جنگ و مصائب آنرا بی‌کم و کاست جمهوری اسلامی و سیاست‌های تروریستی آن می‌دانند. مردم نه گروه‌های نیابتی تروریست می‌خواهند نه سیاست‌های موشکی و هسته‌ای این حکومت را. توقف این جنگ اگر ادامه یابد، به معنای فرصتی برای شروع مجدد اعتراضات و تظاهرات و کارزارهای مختلف، و در واقع جنگ مردم علیه حکومتی است که طی جنگ با دولت‌های آمریکا و اسرائیل ضربات مهلکی خورده و بسیار ضعیف‌تر و ضربه پذیرتر شده است.

حکومت در مقابله با دشمن اصلی خود اینترنت را به بهانه جنگ خاموش کرد و مردم را در زندان اطلاعاتی خود نگهداشت. اعدام‌ها را گسترش داد، دستگیری‌ها و محکومیت‌ها را یک روز هم تعطیل نکرد و مقاماتش جنایتکارانه‌ترین تهدیدهایشان را علیه مردم معترض ادامه دادند. رژیم در میانه جنگش با آمریکا و اسرائیل، بر اعدام‌ها شدت داده و طی ۳ هفته ۱۴ نفر از معترضین را به اتهامات مختلف اعدام کرده است. چند هزار نفر نیز طی همین مدت دستگیر شدند و شمار زیادی از معترضین در خطر محکومیت‌های سنگین و حتی اعدام قرار دارند.

این واقعیات نشان می‌دهد که جنگ مردم با جمهوری اسلامی در دل جنگ میان دولت‌ها همچنان ادامه داشته است و بعد از آتش‌بس می‌رود که ابعاد و دامنه گسترده‌تری پیدا کند. جنگ مردم علیه جمهوری اسلامی، همان‌طور که تشکل‌های کارگری بعد از ختم جنگ ۱۲ روزه اعلام کردند، آتش‌بس ندارد.

حکومت می‌داند آنکه قرار است سرنگونش کند نه ترامپ و نتانیاهو بلکه همین مردمند. مردمی که اتحادشان را نگهداشته‌اند، حتی با کشتار فجیع دی‌ماه و دستگیری‌های دهها هزار نفره نیز مرعوب نشدند و بلافاصله در صدها مراسم و دهها دانشگاه اعتراضات باشکوه خود را شروع کردند. مردمی که عامل همه مصائب خود را، عامل جنگ و فقر و بی‌حقوقی را، همین حکومت منفور اسلامی می‌دانند. مردمی که آتش‌بسی با دشمن خود ندارند و جنگ‌شان را تا سرانجام پیروزی ادامه خواهند داد. باید برای سازمان یافتن و گسترش مبارزه در چنین شرایطی آماده شد.

حزب کمونیست کارگری ایران

۱۹ فروردین ۱۴۰۵، ۸ آوریل ۲۰۲۶

همان بازدارندگی نابرابر اما واقعی است که مانع از حرکت به سمت جنگ تمام‌عیار شده است.

سوم، تحولات منطقه‌ای نقش مستقیمی در شکل‌گیری این آتش‌بس داشته‌اند. ادامه حملات اسرائیل در لبنان علیه حزب‌الله در شرایط آتش‌بس موقت نشان می‌دهد که میدان‌های درگیری همچنان فعال‌اند و هر لحظه می‌توانند به هم متصل شوند. این وضعیت، ریسک گسترش جنگ به یک درگیری چندجبهه‌ای را افزایش می‌دهد؛ سناریویی که برای بسیاری از بازیگران منطقه‌ای و بین‌المللی پرهزینه و غیرقابل پیش‌بینی است.

چرا این آتش‌بس شکننده است؟
دلایل شکننده بودن این آتش‌بس، صرفاً به وضعیت نظامی محدود نمی‌شود، بلکه ریشه در تداوم سیاست‌ها و نیازهای ساختاری طرفین دارد.

در سطح سیاسی، جمهوری اسلامی همچنان بر مؤلفه‌هایی چون غرب‌ستیزی و اسرائیل‌ستیزی به‌عنوان عناصر هویتی و ابزار بسیج داخلی تکیه دارد. حتی در شرایط عقب‌نشینی یا ضربه‌پذیری، این وضعیت می‌تواند در داخل به‌عنوان "ایستادگی" «یا "پیروزی" بازتعریف شود؛ امری که به کاهش تنش کمک نمی‌کند، بلکه آن را به شکل‌های دیگر بازتولید می‌کند.

در عین حال، بقای جمهوری اسلامی به‌طور فزاینده‌ای به بازتولید فضای امنیتی و برجسته‌سازی "دشمن خارجی" گره خورده است. این امر هم ابزار سرکوب داخلی را تقویت و در کوتاه مدت به نحوی به عنوان چسب نیروهای متفرق حاکم کمک می‌کند. به‌ویژه در شرایطی که اعتراضات کارگران و مردمی و فشارهای اجتماعی در حال افزایش است.

در مقابل، ایالات متحده و متحدانش نیز از سیاست فشار دست نخواهند کشید. حفظ برتری منطقه‌ای، حمایت از اسرائیل، و مهار نفوذ جمهوری اسلامی، همچنان در دستور کار باقی خواهد ماند. به همین دلیل، آتش‌بس نه به‌معنای تغییر استراتژیک، بلکه صرفاً تغییر موقت در شکل اجرای آن است.

افزون بر این، وجود میدان‌های فعال درگیری از خلیج فارس (کشورهای قطر، امارات، بحرین، عربستان سعودی و عراق) تا لبنان و نقش نیروهای نیابتی، خطر تشدید تنش را به دنبال دارد. به این ترتیب، آتش‌بس کنونی بیشتر یک "وقفه تاکتیکی" است تا صلح؛ وقفه‌ای که بر بستر تضادهای حل‌نشده و میدان‌های فعال جنگی قرار دارد.

وظیفه نیروهای مردمی: استفاده از شکاف‌ها
در چنین شرایطی، مهم‌ترین خطا برای نیروهای مترقی و سرنگونی‌طلب، انفعال یا دنباله‌روی از یکی از قطب‌های قدرت است. در این دوره، تمرکز باید بر ایجاد و تقویت نهادهای پایدار اجتماعی در امتداد تجربه "زن، زندگی، آزادی" باشد.

آتش‌بس کنونی نه صلح است و نه ثبات؛ بلکه محصول مستقیم یک وضعیت متناقض است: از یک سو ضربات واقعی به ساختار نظامی و سیاسی جمهوری اسلامی، و از سوی دیگر ناتوانی آمریکا و اسرائیل در تبدیل این ضربات به یک پیروزی نهایی و پایدار.

برای جمهوری اسلامی، این آتش‌بس فرصتی برای بازسازی و ترمیم است؛ برای آمریکا و متحدانش، ابزاری برای مدیریت و مهار بحران بدون ورود به یک جنگ پرهزینه. اما برای مردم، این می‌تواند به یک فرصت واقعی تبدیل شود. باید به‌جای انتظار، به سمت سازمان‌یابی آگاهانه و پیوند دادن مبارزات اجتماعی حرکت کرد.

آتش‌بس موقت؛ فرصت‌ها و تناقضات



نسان نودینیان

آتش‌بس میان آمریکا و جمهوری اسلامی، بیش از آن‌که نشانه‌ای از پایان یک بحران باشد، بیانگر ورود به مرحله‌ای جدید از یک تعادل ناپایدار است. این آتش‌بس نه حاصل حل و فصل تضادهای بنیادین، بلکه نتیجه یک رشته تحولات عینی در میدان جنگ، فشارهای متقابل، و ترس از گسترش درگیری به سطحی غیرقابل کنترل است.

این "تعادل ناپایدار" در بستر تغییرات واقعی در موازنه قوا شکل گرفته است. در جریان حملات هوایی و درگیری‌های اخیر، جمهوری اسلامی رهبر (خامنه‌ای) و تعداد قابل توجهی (ده‌ها نفر) از کادرهای فرماندهی و کلیدی نظامی و سیاسی خود را از دست داده و ضربات قابل توجهی به ظرفیت‌های نظامی‌اش به‌ویژه در حوزه‌های هوایی و دریایی وارد شده است. در عین حال، تلاش برای کنترل کامل مسیرهای استراتژیک مانند تنگه هرمز با چالش‌های جدی روبه‌رو شده و نشان داده که حتی با حضور و فشار مستقیم، تثبیت برتری در این نقاط حیاتی ساده نیست.

در سوی دیگر، ایالات متحده با وجود برتری نظامی، با محدودیت‌های مشخصی مواجه شده است: ناتوانی در تحمیل یک پیروزی سریع و کم‌هزینه، نگرانی از کشیده شدن جنگ به کل منطقه، و وابستگی به ائتلافی که انسجام کامل ندارد. متحدان اروپایی، به‌ویژه آلمان، هرچند در سطح سیاسی در کنار آمریکا و اسرائیل قرار گرفتند، اما در عمل از ورود به یک درگیری گسترده و پرهزینه فاصله گرفتند و نوعی همراهی "نیمه‌فعال" را پیش بردند.

در چنین شرایطی، "فشارهای متقابل" به‌صورت یک بازی نامتوازن در میدان شکل پیش رفته است: حملات هدفمند اسرائیل چه با حمایت مستقیم آمریکا و چه در برخی موارد به‌صورت مستقل که به حذف چهره‌های کلیدی در ساختار قدرت جمهوری اسلامی انجامیده، در کنار پاسخ‌های محدود و کنترل‌شده از سوی جمهوری اسلامی که تلاش داشته سطح درگیری را مدیریت کند.

چرا این آتش‌بس شکل گرفت؟
نخست، هر دو طرف در موقعیتی قرار گرفته‌اند که ادامه جنگ می‌تواند هزینه‌هایی فراتر از دستاوردهای آن داشته باشد. جمهوری اسلامی در شرایطی وارد این مرحله شده که هم‌زمان با ضربات نظامی، با بحران‌های داخلی عمیق از نارضایتی اجتماعی تا فشار اقتصادی روبروست. در مقابل، ایالات متحده نیز با چندین بحران هم‌زمان جهانی و محدودیت در گسترش یک جنگ جدید در خاورمیانه مواجه است.

دوم، وضعیت نظامی به‌روشنی نشان داده که با وجود تضعیف جمهوری اسلامی، امکان یک پیروزی سریع و قاطع برای طرفین مقابل (آمریکا و اسرائیل) نیز وجود ندارد. ضربات سنگین به ساختار فرماندهی و توان نظامی جمهوری اسلامی، از یک سو آن را در موقعیت دفاعی قرار داده، اما از سوی دیگر، ظرفیت‌های باقی‌مانده از جمله شبکه‌های منطقه‌ای و امکان گسترش درگیری همچنان به‌عنوان عامل بازدارنده عمل می‌کنند. این

علیه این آتش‌بس با فریاد اینکه سازش نمی‌پذیرند بودیم. ضمن اینکه بیانیه دادند که برای روز شنبه یازدهم آپریل همه عازم اسلام آباد خواهند شد برای مذاکره و علی‌رغم کارشکنی‌های دشمنان و ریاست هیات را هم قالیباف بر عهده دارد. آمریکا هم زیر فشار داخلی و هزینه‌های هنگفتی که صرف این جنگ شده قرار دارد. و این داستان این آتش‌بس دو هفته‌ای است.

مردم چه می‌خواهند؟

در مقابل مردم حرف روشن خود را دارند. با مذاکره بی مذاکره سرنگونی. این حرف و سخن مردم است. مردم گفته‌اند که "جنگ ما با شما حکومتیان آتش‌بس ندارد". این را در بیانیه‌ها به اشکال مختلفی بیان کرده‌اند. جمهوری اسلامی ضعف خود را می‌بیند و وحشت دارد از اینکه مردم دوباره به میدان بیایند. مردم می‌دانند چه خبر است. به ضرباتی که بر حکومت در این جنگ وارد شده واقفند. این حکومت منفور با ادامه سیاست‌های اتمی و جنگ‌افروزان زندگی و تمام زیرساخت‌های جامعه را در معرض نابودی قرار داده است. با نابودی بسیاری از زیرساخت‌ها، بیکاری چندین و چند برابر شده است. کشتار فجیع دیمه خونین نیز رابطه مردم با حکومت را کاملاً خونین کرده است. نود میلیون مردم ایران دادخواهند. به همین دلیل مردم مترصد به خیابان آمدن و پایان دادن به بساط جهنمی جمهوری اسلامی و به پیروزی رساندن انقلاب ناتمام خود هستند. جمهوری اسلامی که خود را در خطر سرنگونی می‌بیند با سرکوب و زندان و اعدام می‌کوشد با این وضعیت مقابله کند. از جمله دیدیم که در سایه جنگ سرکوبگری‌های خود را بشدت جلو برد. دستگیری‌هایی گسترده به راه انداخت و اعدام‌ها هر روزه شد. بخاطر اینکه جمهوری اسلامی دشمن اصلی خود را مردم می‌داند. با آمریکا و یا اسرائیل می‌نشیند و مذاکراتش را می‌کند و قراردادهایشان را می‌بندند. اما مردم مذاکره‌ای با این حکومت ندارند. چرا که جنگ ما با جمهوری اسلامی آتش‌بس ندارد. مردم سرنگونی این حکومت را می‌خواهند.

امروز بحث جامعه بر سر آلترناتیو فرداست. مردم دارند به آینده فکر می‌کنند. بیانیه‌هایشان را از قبل داده‌اند. منشور خواست‌های حداقلی بیست تشکل از قبل داده شده که می‌گوید ما مردم به هیچ‌گونه اعمال قدرت از بالای سر خود تن نخواهیم داد و قدرت به‌دست خود ما مردم. قدرت به‌دست شوراها. در همین روزهای جنگ دیدیم که مردم خود سازماندهی کردند. و همبستگی‌ها شکل گرفت. در همین شرایط دیدیم که حکومت لشکر زینبیون و فاطمیون و حشد الشعبی‌اش را به خیابان آورد تا با خیال خود رعب ایجاد کند. الان هم اوباش خود را به خیابان می‌آورد و رو به مردم رجزخوانی‌هایش را می‌کند. اما به‌شدت وحشت دارد.

بنابراین ما ضعف حکومت را می‌بینیم. باید برای پایان دادن به این جهنم و برای به پیروزی رساندن انقلابمان دست به دست یکدیگر داده و صف انقلابمان را بیش از پیش سازمان دهیم. شبکه‌های اعتراضی محله‌محور و در محیط‌های کار را گسترده‌تر و سراسری‌تر کنیم. جمهوری اسلامی در خاموشی اینترنتی جنایت می‌کند و بر اطلاع‌رسانی و سازماندهی اعتراضات ما مانع گذاشته است. اولین نکته تاکید ما بر پایان دادن به قطع اینترنتی، این خاموشی جنایتکارانه است. مسبب این جنگ و جنگ‌افروزی‌ها جمهوری اسلامی است.

با مذاکره، بی مذاکره سرنگونی



شهلا دانشفر

جنگ میان آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی به یک آتش‌بس رسید. آتش‌بس دو هفته‌ای. هر دو طرف در بن‌بست. از آن طرف جمهوری اسلامی ضربات سیاسی-اقتصادی سختی خورده. خامنه‌ای جلاد رهبر نظام و چند ده تن از بالاترین سران و سردارانش را یکی پس از دیگری از دست داده است. بر مراکز نظامی و لجستیکی حکومت ضربات سنگینی وارد شده است و اقتصادش به نابودی رسیده است. از سوی دیگر آمریکا و اسرائیل بعد از اینکه تنگه هرمز توسط جمهوری اسلامی بسته شد و بحران انرژی‌ای که به دنبال داشت، زیر فشار جهانی و داخلی قرار گرفتند. این وضعیت هر دو طرف جنگ را به طرف آتش‌بس کشاند.

اما همه می‌دانیم تا وقتی جمهوری اسلامی بر سر کار است جنگ هم بالا سر جامعه هست. ناامنی هست. جنایت و سرکوب هست و فقر و بی‌تامینی هست. در عین حال این جنگ موقعیت جمهوری اسلامی را در منطقه نیز بشدت تضعیف و شکننده کرده است. اکنون دولت‌های منطقه هم منافع خود را در سرنگونی این حکومت می‌بینند. با ادامه حیات جمهوری اسلامی ناامنی را با تمام وجودشان احساس می‌کنند. و می‌دانند اگر این حکومت برود منطقه امنیت پیدا می‌کند. در جهان نیز همینطور است. بدین ترتیب هر دو طرف به پای آتش‌بس رفتند و الان هم رجزخوانی‌هایشان را می‌کنند. و هر کدام خود را برنده این جنگ می‌خوانند. جمهوری اسلامی علی‌رغم همه ضربات استراتژیکی که خورده است، نفس اینکه سرنگون نشده برایش پیروزی است. و به دنبال بسته شدن تنگه هرمز طرح ده ماده‌ای اش را مبنای برای آتش‌بس قلمداد می‌کند. اما در همین فاصله کوتاهی که از این آتش‌بس می‌گذرد ترامپ نشان می‌دهد که طرحی که اجازه غنی‌سازی اورانیوم به ایران بدهد را نمی‌پذیرد. از طرف دیگر جمهوری اسلامی از اینکه باید توقف حملات به لبنان و پرداخت خسارت به ایران در توافقات آورده شود صحبت می‌کند و قالیباف با انتشار بیانیه‌ای اعلام کرد که سه مورد از ۱۰ بندی که ترامپ به عنوان مبنای قابل قبول برای مذاکرات پذیرفته بود نقض شده و در چنین شرایطی آتش‌بس و مذاکره بی‌معنی است.

در عین حال شکاف‌های درون حکومت اسلامی عمیق‌تر شده است. این نزاع‌ها را همیشه داشته‌اند. اما اکنون دعوای بر سر مسایل هویتی این حکومت است. پایان دادن به غنی‌سازی هسته‌ای، موشک‌های بالستیک و جمع شدن نیروهای نیابتی‌اش در منطقه از جانب جناح‌هایی از حکومت لازمه بقا تلقی می‌شود. از آن طرف تن دادن به این‌ها برای جناح حاکم به معنای افتادن فوری به سرایش سقوط تلقی می‌شود. این وضعیت نزاع‌ها را حادث‌تر کرده است. حتی ما شاهد تظاهرات بخشی از حکومتیان علیه بخش دیگری در کف خیابان

اساس سوسیالیسم انسان است!

در محکومیت مطرح کردن مقایسه دونالد ترامپ و هری ترومن در استفاده از بمب اتم توسط علی حسین قاضی زاده

شامگاه دوشنبه ۱۷ فروردین ۱۴۰۵، علی حسین قاضی زاده، خبرنگار و کارمند ارشد تلویزیون ایران اینترنشنال در شبکه اجتماعی اکس با مقایسه دونالد ترامپ و هری ترومن، به شکلی وقیحانه تصریح کرد که "شاید همان راه حل نهایی شکست" جمهوری اسلامی باشد. ترومن، تنها رئیس جمهور آمریکا و تنها انسان در طول تاریخ است که فرمان استفاده از بمب اتم را برای تسلیم امپراتوری ژاپن در جنگ جهانی دوم صادر کرد.

چنین اظهارات وقیح، شرم آور و ضدانسانی علی حسین قاضی زاده نه فقط به شدیدترین شکلی محکوم است، بلکه نشانه‌ای واضح از سقوط آزاد افراد، رسانه‌ها و جریاناتی است که از سیاست، انسان‌زدایی می‌کنند و تصرف قدرت سیاسی را حتی به قیمت بهره‌گیری از ویرانگرترین سلاح‌های تاریخ بشر و از بین رفتن جان انسان‌ها و محیط زیست مجاز می‌شمارند.

به درستی چنین رویکرد و مواضع ضد انسانی با واکنش منفی وسیع کاربران شبکه‌های اجتماعی و ایرانیان آزادی‌خواه قرار گرفته است. نباید اجازه اشاعه چنین رویکردهای خطرناکی را در فضای سیاسی ایران به افراد، رسانه‌ها و جریان‌های سیاسی داد.

بدون شک، در وهله نخست تلویزیون ایران اینترنشنال باید رسماً بابت این اظهارات کارمند "ارشد" خود اقدام فوری متناسب را علیه چنین رویکرد و تفکر خطرناکی در رسانه‌اش صورت دهد. به علاوه، با توجه به نقش مهم قاضی زاده در دستگاه پروپاگاندا و سازماندهی اجتماعی سلطنت‌طلبان در ماه‌ها و هفته‌های گذشته، شخص رضا پهلوی و مشاورین او باید صراحتاً مرزبندی خود را با چنین گرایش ضدانسانی از سوی خبرنگار رسانه مبلغ‌شان علناً اعلام کنند.

همچنین سازمان جوانان کمونیست تأکید می‌کند که رهایی از شر جمهوری اسلامی و سرنگونی نظام با هر وسیله، ابزار و روشی توجیه‌پذیر نیست و در هر شکلی از مبارزه و تلاش برای نابودی حکومت، سلامت و امنیت مردم خط قرمزی است که هیچ فرد و جریان سیاسی نباید از روی آن رد شود؛ چرا که عادی‌سازی جنایت در هر شکل آن (خصوصاً از نوع اتمی) به عنوان ابزاری برای سرنگونی رژیم اسلامی، بی‌تردید محکوم است.

از این روی، در میانه این شرایط جنگی، از همه سازمان‌ها، احزاب و فعالین سیاسی می‌خواهیم که با هر گونه تلاش نیروهای واپس‌گرایی اپوزیسیون که رسیدن به قدرت سیاسی را به قیمت از بین رفتن جان و زندگی توده‌های میلیونی مردم تبلیغ می‌کنند، شدیداً مقابله کنند. در عین حال، نظر به نقش رسانه‌ها در عصر حاضر، همه افراد و شهروندان مخالف جمهوری اسلامی نیز موظف هستند از هر گونه اعتباربخشی به افراد، رسانه‌ها و جریاناتی که جنایت را به جای سیاست تبلیغ می‌کنند، پرهیز کنند.

ما بار دیگر اعلام می‌کنیم که جمهوری اسلامی مسبب این وضعیت برای میلیون‌ها انسان در ایران و منطقه است و نابودی این حکومت پاسخ و راه‌کار واقعی برای پایان دادن به وضعیت اسفناک فعلی است.

سازمان جوانان کمونیست
۱۸ فروردین ۱۴۰۵

همانطور که بارها در کف خیابان فریاد زده‌ایم. یک تأکید استراتژی ما گردن گذاشتن جمهوری اسلامی بر پایان دادن به غنی سازی هسته‌ای، موشک‌های بالستیک و پهباد پرانی و تحرکات نیروهای نیابتی جمهوری اسلامی در منطقه است.

بعلاوه در حالیکه مشکلات معیشتی یک موضوع مهم خیزش دی‌ماه به نابودی کشیدن شدن معیشت کل جامعه بود، اکنون وضعیت معیشت مردم نابودتر از هر وقت است. در جاهایی مردم کار خود را از دست داده‌اند. برای نمونه در عسلویه دو پالایشگاه از کار افتاد. باید جلوی مرکز منطقه ویژه اقتصادی تجمع کرد و طلب خسارت کرد. خواهان پرداخت دست‌مزدهای عقب افتاده شد. در پتروشیمی‌ها و صنایع فولاد همینطور. و باید در فکر سازماندهی چنین تجمعات و اعتراضاتی باشیم. از سوی دیگر صف قدرتمند و بزرگی از اعتراض علیه اعدام و زندان شکل دهیم. اجازه ندهیم که حکومت با سرکوب ما را عقب بزند. میدانیم جمهوری اسلامی در موقعیت ضعیفی قرار دارد. زیر فشار سنگین اقتصادی و بین المللی قرار دارد و همانطور که اشاره شد خامنه‌ای رهبرش را از دست داد و با از دست دادن دیگر سرانش اتوریتته ای برای حفظ شیرازه درونی آن باقی نمانده است. ما می‌توانیم با این حکومت مقابله کنیم و عقبش بزنیم.

جنبش ضد اعدام

همین الان بزرگترین کارزار جهانی علیه اعدام و زندان شکل گرفته است که تحت عنوان اقدام جهانی علیه اعدام، فراخوانی فوری به اعتراض برای روزهای ۱۱ و ۲۰ آوریل داده است و تا کنون ۱۲۴ شکل و نهاد و گروه و احزاب به آن پیوسته‌اند. توقف فوری تمامی اعدام‌ها و لغو مجازات اعدام، آزادی فوری تمامی بازداشت‌شدگان و زندانیان سیاسی و دسترسی فوری مردم ایران به اینترنت آزاد اهداف فوری این کارزار است. وسیعاً به آن بپیوندیم. این یکی از بزرگترین کارزارهای مبارزاتی جهانی از ایران و آینه جنبش دادخواهی میلیونی مردم است.

یک کارزار دیگر سه شنبه‌های نه به اعدام است که چه در روزهای جنگ و چه در روزهای رجزخوانی‌های سرکوبگرانه حکومت جریان داشته و دارد. با تمام قوا در تقویت این کارزارها بکوشیم و مهم است که از ایران نیز تمام تشکله‌ها، نهادها و جمع‌ها اعلام کنند که با تمام قدرت به این کارزارها می‌پیوندند و صدای سه شنبه‌های نه به اعدام علیه زندان و اعدام هستند و با این قدرت به نجات جان زندانیان در بند بشتابند. با چنین کارزاری گسترده و قدرتمند است که می‌توانیم در زندان‌ها را باز کنیم، اعدام‌ها را متوقف کنیم و انقلاب خود را به پیروزی برسانیم. زنده باد انقلاب زن زندگی آزادی.

جنبش دادخواهی

جنبش دادخواهی نیز اکنون در جنبش سرنگونی جای برجسته‌ای یافته است و میلیون‌ها نفر خود را متعلق به آن می‌دانند و قطعاً گسترش بسیار گسترده‌تر و سریعی خواهد یافت. این جنبش بدون تردید جای بسیار مهمی در فضای سیاسی جامعه خواهد یافت و باید برای تقویت آن هرچه بیشتر تلاش کرد. مردم دادخواهند و دست از سر قاتلان عزیزانشان بر نمی‌دارند. کشتار دی‌ماه بی‌سابقه و عظیم و فاجعه‌بار بود. سران باقی مانده جمهوری اسلامی باید همگی در دادگاه‌های مردمی به محاکمه کشیده شوند. این خواست جوشان مردم است.

اگر این جنگ به آتش‌بسی درازمدت یا میان‌مدت برسد بدون تردید ما با جنبش دفاع از زندگی و معیشت در ابعاد وسیع‌تری مواجه خواهیم شد و مهم‌تر اینکه جنبش سرنگونی را در ابعادی گسترده‌تر شاهد خواهیم شد. این حکومت دیگر جایی در این جامعه ندارد و باید سرنگون شود.

پیامدی برای جامعه خواهد داشت.

واقعیت این است که تداوم حیات جمهوری اسلامی به معنای تداوم سرکوب، فقر و بی‌حقوقی برای اکثریت جامعه است. تجربه سال‌های گذشته و به‌ویژه سرکوب‌های پس از اعتراضات دی ۱۴۰۴ نشان داده است که این حکومت در مواجهه با بحران، راهی جز تشدید خشونت ندارد. اگر این جنگ بدون تضعیف جدی این حکومت پایان یابد، آنچه در انتظار جامعه است نه صلح، بلکه دور تازه‌ای از سرکوب گسترده و سازمان یافته خواهد بود. در عین حال، تداوم جنگ در شکل کنونی نیز چشم اندازی ویرانگر پیش روی جامعه قرار می‌گذارد. تهدیدهایی از جنس تبدیل جامعه به ویرانه‌ای تمام عیار و برگرداندن آن به "عصر حجر" و "روز زدن پل‌ها و ایستگاه‌های برق" نشان می‌دهد که ادامه این وضعیت می‌تواند به تخریب زیرساخت‌ها، گسترش فقر و از هم پاشیدگی زندگی اجتماعی در ابعادی به مراتب وسیع‌تر منجر شود. از این رو، مساله صرفاً پایان جنگ نیست، بلکه چگونگی پایان آن است. صلحی که به بقای جمهوری اسلامی گره خورده باشد، چیزی جز بازتولید همان چرخه سرکوب و بحران نخواهد بود. صلح پایدار و به نفع کارگران، زنان و زحمتکشان تنها در صورتی ممکن است که با تضعیف و در نهایت سرنگونی این حکومت و دخالت مستقیم جامعه در تعیین سرنوشت خود همراه باشد.

از سوی دیگر، مخالفت با جنگ به عنوان یک موضع انسانی، به خودی خود کافی نیست. مخالفتی که چشم بر نقش جمهوری اسلامی در شکل‌گیری این وضعیت می‌بندد، در عمل به تحریف واقعیت می‌انجامد. نمی‌توان ویرانی‌ها و کشتار ناشی از جنگ را دید اما یکی از عوامل اصلی شکل‌گیری آن را نادیده گرفت. سیاستی که فقط به پیامدها می‌پردازد و علل را کنار می‌گذارد، ناگزیر به بن‌بست می‌رسد. برخورد احساسی به جنگ معمولاً به حذف بخشی از واقعیت منجر می‌شود. اما سیاست انقلابی بر دیدن تمام واقعیت استوار است. مخالفت واقعی با جنگ از مقابله با نیروهایی که آن را ممکن کرده‌اند جدا نیست. برای ما که میدان اصلی مبارزه‌مان در ایران است، مخالفت با جنگ از مبارزه برای سرنگونی جمهوری اسلامی جدا نیست. این دو در تقابل با هم نیستند، بلکه یکدیگر را تقویت می‌کنند. مخالفتی که به سرنگونی این حکومت گره نخورد، در بهترین حالت ناتمام و در عمل بی‌اثر خواهد بود.

در نهایت، آنچه تعیین‌کننده است چشم انداز آینده است. طبقه کارگر باید خود را برای شرایطی آماده کند که ممکن است در پی تضعیف ساختار قدرت موجود شکل بگیرد. بدون سازمانیابی مستقل و بدون افق روشن سیاسی، حتی تضعیف یک حکومت سرکوبگر نیز الزاماً به رهایی منجر نخواهد شد. بنابراین، سیاست درست در قبال این جنگ نه همراهی با یکی از طرفین است و نه بی‌طرفی منفعلانه. راه سوم، تلاش برای پیشبرد یک آلترناتیو مستقل کارگری است. آلترناتیوی که همزمان علیه جنگ، علیه ارتجاع و برای سرنگونی نظامی مبارزه می‌کند که این چرخه خشونت و ویرانی را بازتولید می‌کند.

۶ آوریل ۲۰۲۶

صلح بدون سرنگونی، ادامه کابوس جمهوری اسلامی



ناصر اصغری

در برخورد به جنگ، آنچه برای یک جریان کمونیستی تعیین‌کننده است نه احساسات زودگذر بلکه تحلیل مشخص از شرایط مشخص است. جنگ پدیده‌ای یکنواخت نیست که بتوان برای آن نسخه‌ای از پیش آماده و قابل تعمیم به همه زمان‌ها ارائه داد. هر جنگی در بستر تاریخی و طبقاتی معینی شکل می‌گیرد و تنها در همان چارچوب می‌توان به آن پاسخ داد. برای روشن شدن این موضوع، رجوع به تجربه‌های تاریخی ضروری است. پس از انقلاب کبیر فرانسه، دولت‌های مرتجع اروپا مانند پروس و اتریش به فرانسه انقلابی حمله کردند. در آن مقطع، دفاع از فرانسه نه دفاع از یک دولت به معنای متعارف، بلکه دفاع از یک انقلاب علیه ارتجاع فئودالی بود. در چنین جنگی، حمایت از نیروی انقلابی به معنای دفاع از پیشروی تاریخی جامعه بود.

نمونه دیگر، جنگ ایران و عراق است. در آغاز این جنگ، جمهوری اسلامی هنوز به عنوان یک ماشین سرکوب تثبیت نشده بود و جامعه در وضعیت گذار قرار داشت. در آن شرایط، طبقه کارگر نه می‌توانست به دنباله روی از حکومت تن دهد و نه می‌توانست نسبت به خطر نابودی دستاوردهای انقلاب بی‌تفاوت بماند. اتخاذ یک موضع مستقل، که نه در خدمت دولت باشد و نه در اردوگاه دشمن خارجی، تنها راهی بود که می‌توانست منافع کارگران را نمایندگی کند.

اما در جنگ کنونی میان آمریکا و اسرائیل با جمهوری اسلامی، تصویر به مراتب روشن‌تر است. اینجا با دو قطب ارتجاعی روبرو هستیم که هر یک در پی پیشبرد اهداف سیاسی و نظامی خود هستند. این جنگ نه جنگ آزادی است و نه جنگی در دفاع از منافع مردم. جنگی است ریشه‌دار در رقابت‌های منطقه‌ای، بحران‌های داخلی و تلاش برای بازتعریف توازن قوا. جمهوری اسلامی یکی از پایه‌های اصلی شکل‌گیری این بحران است و بدون در نظر گرفتن نقش آن، هیچ تحلیلی کامل نخواهد بود. در چنین شرایطی، وظیفه کمونیست‌ها نه افتادن در دام یکی از این دو قطب، بلکه حفظ استقلال سیاسی طبقه کارگر است. این استقلال به این معناست که جنگ را از زاویه منافع طبقه کارگر تحلیل کنیم، نه از زاویه تبلیغات دولت‌ها. باید پرسید این جنگ چگونه شکل گرفت، چه نیروهایی از آن سود می‌برند و شکست هر یک از طرفین چه

اساسی سوسیالیسم انسان است!

با تمام قوا با اعدامها و دستگیریها مقابله کنیم

آقابیک، عضو هیئت مدیره انجمن صنفی فرهنگیان کرمانشاه نیز از تاریخ ۲۷ اسفندماه در بازداشت بسر میبرد.

خبرها از دستگیری بیش از ۳۰ نفر از مردم معترض در کرمانشاه و بیست و هشت نفر در سیستان و بلوچستان در هفدهم فروردین ماه خبر میدهند. بر اساس گزارشات حکومتی ۱۳ نفر از این افراد متهم به فراهم کردن زمینه ورود گروهها به داخل کشور، ۱۰ نفر متهم به «شبکه سازی» و ایجاد هسته های عملیاتی، و ۵ نفر دیگر آنها به اتهام فعالیت رسانه ای و ارسال اطلاعات درباره مراکز نظامی، دفاعی و اقتصادی بازداشت شده اند. همچنین اعلام شده از این افراد سلاح هایی مانند کلاشینکف، سلاح کمری، مواد انفجاری و تجهیزات ارتباطی کشف شده است. این اتهامات مقدمه ای برای صدور احکام اعدام برای این معترضین است.

بعلاوه طبق گزارش روز هفدهم فروردین ماه چهار زندانی سیاسی، سعید ماسوری، لقمان امین پور، میثم دهبان زاده و سپهر امام جمعه، از شامگاه نهم فروردین ماه به خاطر اعتراض به انتقال شش زندانی سیاسی محکوم به اعدام برای اجرای حکم اعدام دست به اعتصاب غذا زده بودند، همچنان در سلول های انفرادی بند ۴ زندان قزلحصار نگهداری می شوند.

اخبار این دستگیریها و سرکوبگریها بازتاب جهانی داشته و هیأت حقیقت یاب سازمان ملل؛ نسبت به اعدام زندانیان سیاسی و محاکمات ناعادلانه در ایران هشدار داده است. این هیأت در گزارش خود استفاده از مجازات اعدام به عنوان ابزاری برای سرکوب مخالفان را نقض جدی حقوق بشر خوانده و ضمن محکوم کردن اعدامها، خواستار توقف فوری این روند شده است.

جنبش علیه زندان و اعدام در ایران امروز یک جنبش بین المللی است. جنبشی که یکسرش در زندانها و سر دیگرش در اقصا نقاط جهان است و کارزاری جهانی علیه اعدام و در حمایت از زندانیان سیاسی با سه مطالبه فوری توقف فوری تمامی اعدامها و لغو مجازات اعدام، آزادی فوری تمامی بازداشت شدگان و زندانیان سیاسی و دسترسی فوری مردم ایران به اینترنت آزاد و با شرکت دهها نهاد و گروه و احزاب سیاسی شکل گرفته است. و این در حالی است که کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» که با اعتصاب غذای هفتگی زندانیان برگزار می شود در صد و پانزدهمین هفته خود در هجدهم فروردین ماه در ۵۶ زندان کشور جریان داشت.

این کارزار علیرغم شرایط جنکی و با وجود قطع اینترنت و محدودیت های ارتباطی همچنان در حال گسترش است. زندانیان شرکت کننده اعلام کرده اند که به تعهد خود در کارزار «سه شنبه های نه به اعدام» پایبند مانده و اعتصاب غذا را ادامه می دهند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی بر یک اتحاد مبارزاتی قدرتمند میان تمامی نهادهای اجتماعی و احزاب و جریانات سیاسی برای مقابله با سرکوب گریهای گسترده حکومت و اعدام و کشتار تاکید میکند.

کمپین برای آزادی کارگران زندانی

<https://free-them-now.com/>

۱۸ فروردین ۱۴۰۵، ۷ آپریل ۲۰۲۶



**CAMPAIGN TO FREE
JAILED WORKERS IN IRAN**

با تمام قوا با اعدامها و دستگیریها مقابله کنیم

جمهوری اسلامی در ادامه کشتار دیماه خونین ۱۴۰۴ و قتل عام وحشیانه معترضین، امروز در سایه جنگ به بیرحمانه ترین شکلی به جنایاتش ادامه میدهد و همچون مار زخم خورده ای به جان مردم افتاده است. این حکومت منفور با ادامه سیاستهای اتمی و جنگ افروزان زندگی و تمام زیرساخت های جامعه را به نابودی کامل می کشاند و با سرباز زدن از آتش بس و مذاکرات، علیرغم تحمیل ضربات مهلک و کشنده، میخواهد در سایه جنگ جامعه را به خون بکشد و به هر شکل شده به موجودیتش ادامه دهد.

در راستای این سیاست است که حکومت بیرحمانه کشتار و جنایت میکند و اعدامها هر روزه شده است. در زندانها فاجعه ای انسانی در جریان است و معترضین همچون اسرای جنگی زیر فشار گرسنگی و تحت شکنجه و آزار و اذیت جانشان در خطر است. فضای شهرها نیز تماماً نظامی شده و گشت ها و ایستگاههای بازرسی خیابانی به راه افتاده و حکومت با وارد کردن اوباش و تروریستهای حشد الشعبی و فاطمیون و زینبیون و رژه این ارادل در خیابانها، به مردم پیام مرگ و سرکوب میدهد.

اژدهای رئیس جلاد قوه قضائیه این فرمانده اعدام و سرکوب هم در هفدهم فروردین ماه فرمان تسریع اجرای احکام علیه "همکاران دشمن" یعنی مردم معترض را داده و برعدم تعلل و مامشات تاکید کرد. او در همین سخنان بار دیگر بر قانون تشدید مجازات "جاسوسی و همکاری با اسرائیل و کشورهای متخاصم" که اسم رمز مخالفین حکومت است تاکید کرده کرده و بر احکام اعدام و مصادره اموال در قبال "فعالیت اطلاعاتی یا جاسوسی به نفع اسرائیل یا دولت های متخاصم" مردم معترض در ایران و ایرانیان ساکن خارج کشور را مورد تهدید قرار میدهد. طبق گزارشات بر اساس همین سیاست بازداشت ها گسترش بیشتری یافته و معترضین بسیاری با این اتهامات بازداشت شده و با خطر محکومیت به اعدام روبرو هستند.

از جمله با توجه به نقش مهمی که شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و به راه انداختن کارزارهایی چون نیمکت های خالی، و کلاسهای بدون معلم در اعتراض به کشتار دیماه داشتند و صدایش جهانی شد، دستگیری ها و تهدیدات امنیتی علیه معلمان گسترش یافته است. بازداشت رضا امانی فر بازرس شورای هماهنگی تشکلهای صنفی فرهنگیان و عضو کانون صنفی معلمان بوشهر در پانزدهم فروردین ماه، بازداشت بختیار رضوانی، معلم معترض در گچساران، در هفدهم اسفند ماه ۱۴۰۴ که جهت پیگیری وضعیت برادرش خشایار رضوانی مراجعه کرده بود، نمونه های اخیر این دستگیری هاست. منوچهر

خیابان چرخانی فاطمیون و حشدالشعبی نیز جمهوری اسلامی را نجات نخواهد داد!

مردم نه با کشتار دی ماه مرعوب شده‌اند و نه با سیاست‌های سرکوبگرانه جمهوری اسلامی به بهانه جنگ. پاسخ مردم به جنایتکاران حاکم و همینطور به جنگ جاری، سرنگونی جمهوری اسلامی است. تا این حکومت برجاست جنگ و کشتار و سرکوب

جمهوری اسلامی در دل جنگ، اوباش حشدالشعبی و فاطمیون را به خیابانها ریخته است. به خیال خود می‌خواهد با خیابان گردانی این وحوش، که در کشتار دیمه نیز عصبای دستش بودند، مردم را مرعوب کند. این نوعی تدارک نظامی حکومت برای مقابله با مردمی است که برای سرنگونی او لحظه‌شماری می‌کنند و

به ابتکار ۱۱۰ شبکه مبارزاتی، احزاب و تشکلهای سیاسی و نهادهای مدنی، فراخوان یک اقدام جهانی به منظور توقف اعدام‌ها در ایران، آزادی زندانیان سیاسی و معترضان بازداشتی، و همچنین دسترسی به اینترنت بین‌المللی، در فاصله ۱۱ تا ۲۶ آوریل ۲۰۲۶ صادر شده است. از همه شما دعوت می‌کنیم به این اقدام جهانی بپیوندید.

شما نیز می‌توانید در شهر خود مبتکر برگزاری تظاهرات یا هر برنامه دیگری در همراهی با این فراخوان باشید. چنانچه برای انجام این کار اقدام می‌کنید، لطفاً ما را مطلع کنید تا آفیش لازم را برای شما ارسال کنیم. یک آفیش سراسری برای این اقدام جهانی تدارک دیده شده است که متناسب با فعالیت‌های هر شهر نیز تنظیم و منتشر می‌شود.

از همه نهادها و تشکلهایی که مایلند نام آنها به لیست فراخوان دهندگان اضافه شود در خواست می‌کنیم از طریق زیر با ما تماس بگیرند:

شماره تلفن: ۳۸۹۴۷۳۲۲۸۷۱_۳۹+ مهیار سماویس

تماس از طریق تلگرام:

@NoToExecutions_Tamas



نیز ادامه خواهد داشت. مردم ایران، مردم منطقه و جهان زمانی روی آرامش خواهند دید که جمهوری اسلامی به زیاله‌دان تاریخ سپرده شده باشد. با سرنگونی رژیم اسلامی در ایران، نه فقط وحوشی نظیر فاطمیون و حشدالشعبی و حماس و حزب‌الله بساطشان از ایران و منطقه جمع خواهد شد، بلکه دولت‌ها و جریان‌ات دست راستی که سیاست‌های ارتجاعی و ضد بشری خود را به بهانه خطر آنها توجیه می‌کنند، به عقب رانده خواهند شد.

حزب کمونست کارگری ایران

۱۶ فروردین ۱۴۰۵، ۵ آوریل ۲۰۲۶

مترصدند هر آن به خیابان‌ها برگردند.

اولویت جمهوری اسلامی همیشه و در هر شرایطی مقابله با مردم بوده و هست. جنگ اساساً به همین دلیل برپاشده که حکومت اسلامی به آمریکا و اسرائیل ستیزی برای حفظ بقای خود در مقابله با یک جامعه معترض و برای توجیه سرکوب و کشتار داخلی نیازمند بوده و هست. قطع اینترنت، اجرای سراسیمه اعدام‌ها، دستگیری‌های وسیع، برپایی ایستگاه‌های بازرسی و گشت خیابانی نیروهای سرکوب و اکنون متوسل شدن به فاطمیون و حشدالشعبی همه و همه اجزای سیاست حکومتی مستأصل و پایان یافته است که تلاش می‌کند بر دریای خشم و نفرت مردم خود را مگر با رعب و ترور و جنگ سرپا نگهدارد. اما

هر صلح طلب واقعی باید یک سرنگونی طلب باشد!

انترناسیونال

نشریه حزب کمونیست کارگری ایران

سر دبیر: سیاوش آذری

ادیتور: کاظم نیک خواه

مسئول فنی: بابک یزدی



انترناسیونال هر هفته شنبه‌ها

منتشر می‌شود



شماره حساب و تلفن‌های تماس برای کمک مالی

سوئد:

Sweden

Nordea Plusgirokonto: 4122379-3

Bankkontonummer: 9960264 1223793

IBAN: SE1095000099602641223793

BIC: NDENSESS

آلمان:

Germany

Name: M. Eli

Bankverbindung: Postbank

IBAN: DE86 1001 0010 0585 5421 23

BIC/SWIFT: PBNKDEFF

شماره حساب انگلیس ویژه کمک از انگلیس و از هر کشور

دیگر:

انگلیس:

Bank: NatWest

Account holder: WPI

Account number: 45477981

Sort code: 60-24-23

IBAN: GB77NWBK60242345477981

BIC: NWBKGB2L

سؤالی دارید می‌توانید با شماره‌های زیر تماس

بگیرید:

تماس از خارج

سیامک بهاری: ۰۰۴۶۷۳۹۸۶۸۰۵۱

از آمریکای شمالی:

بابک یزدی: ۰۰۱۴۱۶۴۷۱۷۱۳۸

یوتل‌ست

فرکانس ۱۱۳۸۷

افقی ۲۷۵۰۰

ترکمن عالم

(جهت یاهست)

فرکانس ۱۰۸۴۵

عمودی ۲۷۵۰۰

اف ای سی ۲/۳

مشخصات فنی تلویزیون

کانال جدید

KANAL JADID
کانال جدید